

فرصت فراموشی منتشر شد

مجموعه شعر «فرصت فراموشی» سروده ایمان مشایخی توسط نشر شهرستان ادب روانه کتابفروشی‌ها شده است. شاعر در این کتاب اشعاری در قالب‌های سنتی را کنار هم قرار داده است. فرصت فراموشی شامل ۳۱ شعر است که بیشتر آنها در قالب غزل سروده و در ۶۸ صفحه منتشر شده است.

سینما

مرور آثار جمال شورجه در شبکه نمایش

شبکه نمایش برای پاسداشت جمال شورجه کارگردان، تهیه‌کننده و نویسنده سینمایی ایران، به مرور آثار وی می‌پردازد. به گزارش «وطن امروز»، جمال شورجه متولد ۱۳۳۳ از زنجان و فارغ‌التحصیل لیسانس کارگردانی از دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر تهران است. وی در ۲۳ سالگی و همزمان با شروع جنگ ایران و عراق با حکم مأموریت حوزه هنری به جبهه رفت تا اتفاقات آنجا را مستند و ضبط کند. بیشترین آثار وی در زمینه دفاع مقدس تولید شده است. وی همچنین در سریال‌های پرتلفذاری چون «مردان آنجلس» و «یوسف پیامبر» به‌عنوان مشاور کارگردان کنار زنده‌یاد فرح‌الله سلحشور حضور داشت. کارگردانی پروژه عظیم «حضرت موسی (ع)» نیز به این کارگردان سینمایی ایران واگذار شده است. جمال شورجه از اردیبهشت اسفند ۱۳۹۷ دچار عارضه مغزی شده و در استراحت مطلق است. آثار جمال شورجه که از امروز ۵ مرداد تا جمعه ۱۱ مرداد، ساعت ۲۱، از شبکه نمایش پخش می‌شوند به ترتیب شامل فیلم‌های «۳۳ روز»، «باشگاه سری»، «دایره سرخ»، «خلبان»، «حماسه مجنون»، «شش‌دهم» و «هفتادی» می‌شود که روز بعد از پخش ساعت ۳ بامداد و ۸ صبح بازپخش می‌شوند.

تلویزیون

بعد از «گاندو»

یک سریال امنیتی دیگر روی آنتن می‌رود

سریال «تسرو خاموش» سریال جدید با موضوع امنیتی است که در داخل و خارج از ایران تصویربرداری شده و این روزها مراحل فیلم خود را سپری می‌کند. به گزارش تسنیم، احمد معظمی، کارگردان این مجموعه تلویزیونی اظهار داشت: نام این مجموعه پیش از این «مرگ خاموش» نام داشت و با عنوان جدید «تسرو خاموش» از اواسط شهریورماه روی آنتن خواهد رفت. هنوز شبکه آن مشخص نیست و تصمیم سیمافیلم و تسنیم سیمایا روی کنساکتور پخش می‌رود. به گفته معظمی، مجموعه «تسرو خاموش» جلوه‌های ویژه و پشت پروداکشن سنگینی دارد که حمید قربانی تدوین آن را انجام می‌دهد. کارگردان سریال «سارق روح» تأکید کرد: این سریال تلویزیونی به جنبه بین‌المللی و فانیایی مولود مخدر می‌پردازد و هدف کلی آن، کاهش آسیب‌های اجتماعی است و در عین حال به واکاوی پشت‌پرده آسیب‌ها و ناخبرهای اجتماعی می‌پردازد و کارکرد رسانه را در پیشگیری از مضل اعتیاد نشان می‌دهد. وی با اشاره به حضور سعید راد در «تسرو خاموش» افزود: سعید راد جزو بازیگرانی است که برای نخستین بار در تلویزیون سریال بازی می‌کند و نقش آفرینی ویژه‌ای هم داشته است. علاوه بر سعید راد، جلال فاطمی، حمید عطایی، امیرمحمد زند، پرویز فلاحی‌پور، پرویش نظریه، ستاره اسکندری، رضا مولایی، سامیه لک، مهدخت مولایی، ژیلآل آراشاده، مریم بولانی، زینب فرحانی، رویا میرعلی، حمید شریفزاده و حسین سحرخیز در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند.

کیشه

رقابت همچنان در فصل قبل

همانطور که پیش‌بینی می‌شد فیلم‌های فصل جدید اکران با اقبال شگفت‌انگیزی روبه‌رو نشدند و همچنان رقابت کیشه در میان فیلم اکران عید فطر باقی است. از روز گذشته فیلم «شبی که ماه کامل شد» توانست با اختلاف ۵ میلیاردری با فیلم «ما همه با هم هستیم» در صدر جدول فروش قرار گیرد. همچنین «سرخوست» نیز با ۱۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان در ردیف دوم قرار گرفت.

نام فیلم	فروش (تومان)
قصرشیرین	۱۷۶ میلیون
سروکوب	۵۵ میلیون
تیلی و من	۲۸ میلیون
نیوکسل	۷۲۲ میلیون
کازکتیف	۱۷۱ میلیون
ایکس لارج	۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون
زه‌رمار	۴ میلیارد
سرخوست	۱۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون
شبی که ماه کامل شد	۱۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون
ما همه با هم هستیم	۱۰ میلیارد
دختر شیطان	۸۷۰ میلیون



نگاهی به جهان مهران مدیری به بهانه پخش سریال هیولا

ما خیلی هیولاییم!

محسن شهیمیرزادی: «هیولا» تازه‌ترین اثر مهران مدیری این روزها به‌عنوان یکی از پربیننده‌ترین مجموعه‌های نمایشی در شبکه نمایش خانگی حضور دارد. سریالی با مضمون اجتماعی که به اندازه آثار قبلی مدیری از بار طنز برخوردار نیست اما همچنان مفاهیم تند و تیز نقد اجتماعی در آن برجسته است. اگرچه مدیری در ساخت هیولا با همان فرآیند روبه‌رو بوده که طی این سال‌ها در تولید سریال و فیلم سینمایی تجربه کرده است، با این وجود هیولا را نمی‌توان مانند آثار قبلی مهران مدیری دانست. این سریال در جهان‌بینی مهران مدیری اثری متمایز به حساب می‌آید. اتفاقی که در هیولا رخ داده است، پیش از این در هیچ کدام از آثار مهران مدیری به چشم نمی‌خورد و همین مساله تازه‌ترین اثر نمایشی این کارگردان را از باقی آثار او متفاوت کرده است. برای فهم این تفاوت در کارنامه جدید مدیری باید مروری بر جهان وی در برنامه‌های اینترنتی و نمایشی‌اش داشت که از سال‌ها دور تا به امروز مخاطبان خاص خود را جذب کرده و برای عامه مردم نیز جذاب به نظر آمده است.

دنیا ی پوچ انکار و جامعه کودن!

شاید بهترین توصیف از جهان مهران مدیری، توصیفی است که خودش از جهانش در برنامه خندوانه روایت کرد: «دیگه به درد نمی‌خوره این دنیا! نوی جهانی که پر از فقر، پر از انقلابات عجیب، پر از خشم، مشکلات اقتصادی بشر، شکل اروپا و خاورمیانه تغییر کرد؛ همه اینها کره زمین را فرا گرفته. دیگه به درد نمی‌خوره این دنیا. دیگه زیبایی وجود نداره. آدم‌ها انگیزه‌هاشون کم‌میشه، قدرت‌طلبی افزایش پیدا می‌کنه. به نظرم بشر در منحط‌ترین دوران خودش هست؛ به لحاظ اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و...» جهان‌بینی مهران مدیری از دیرباز دنیای نپه‌یستی را فرا می‌گرفت، این بخوبی در آثار او قابل مشاهده است. جهان او به شکل افراق‌آمیزی مملو از آدم‌هایی است که هوش، دور از انسانیت، خشن، ناکارآمد، مفت‌خور، بی‌سواد و جاهل. در این جهان تنها یک کاراکتر آگاه و عاقل وجود دارد که عمدتاً به دلیل ناتوانی و سادگی خود نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. این کاراکتر آگاه صرفاً در میان سایرین «رنج» می‌کشد و مخاطب نیز از حماقت عامه مردم و رنج تنها عاقل داستان مجبور به خنده می‌شود. کم‌دی‌های اجتماعی مدیری تماماً خندیدن به بدبختی و پوچی جامعه‌ای است که به صورت افراق شده، بدون امید به آینده در قالب دوربین به تصویر کشیده شده است.

مجموعه نمایشی؛ خنده به بدبختی!

کارنامه مهران مدیری به عنوان یک کارگردان مجموعه‌های نمایشی از ابتدای دهه ۸۰ و با مجموعه‌هایی چون «پاورچین»، «قطعه‌چین»، «پسرواز ۵۷» و... رقم می‌خورد. اما سریال پرتلفذار او «شش‌های بره» است که در نیمه دهه ۸۰ تولید شد. کاراکتر «کیانوش» روزنامه‌نگار ضدستادی است که به‌خاطر مقاله انتقادی‌اش تبعید می‌شود. او یگانه کاراکتر عاقل در میان بره‌های هاست که هر کدام ویژگی‌های جهان مهران مدیری را شامل می‌شدند. رنج زندگی در بره و خندیدن به بدبختی و حماقت جامعه، امری بود که توانست سایر طنزپردازان را نیز به جهان پوچ‌انگار مدیری بکشاند. سیامک انصاری از آن بره‌ها به بعد به‌عنوان نماد یگانه کاراکتر عاقل از ناتوان و سادهدل به حساب می‌آمد که در سایر مجموعه‌های نمایشی مهران مدیری نقش مشابهی را ایفا کرد. «قهوه تلخ»، «درحاشیه»، «ساعت ۵ عصر» و... همگی آثاری است که فرآیند مشابهی را در خلق داستان و کاراکتر طی کرده‌اند. مدیری در مجموعه‌های پیشین خود رفتار خرق‌عادت‌گونه «شگانه به دوربین» را ترویج داد که موجب آشنایی‌زدایی از یک مجموعه داستانی می‌شد. همان یگانه کاراکترهای عاقل زمانی که از انبوه جهالت و نادانی جامعه به ستوه می‌آمدند، تنها راه خود را نگاه به دوربین می‌دانستند که تفسیرهای گوناگونی از این تکنیک مطرح شد.

مجموعه آیتمی؛ عاقل دیوانه‌خانه!

مهران مدیری را هنوز هم بسیاری از آیت‌بازی موفق‌تر می‌دانند، به گونه‌ای که روحیه طنز آیتمی در بسیاری از مجموعه‌های نمایشی او نیز برجسته است. از «ساعت خوش» تا «شوخی کردم» و «دوره‌می» اگرچه فاصله بسیار است اما طنزهای آیتمی مهران مدیری از جهان‌بینی مشابهی برخوردار است. مدیری در طنزهای آیتمی اخیر خود به‌عنوان پلاتو حاضر شده است. همان‌گونه که شخصیت عاقلی که جهان اطراف و جامعه ایرانی را به صورت افراق‌شده‌ای با همان ویژگی‌های جهان دور از انسانیت، خشن، نادان، کم‌سواد و کم‌عقل توصیف می‌کند. نمونه برجسته این اتفاق در طنز دورهمی دیده شد. پلاتوهای مدیری تماماً مملو بود از خنده ناتوان و سادهدل به حساب می‌آمد که در سایر مجموعه‌های نمایشی مهران مدیری نقش مشابهی را ایفا کرد. «قهوه تلخ»، «درحاشیه»، «ساعت ۵ عصر» و... همگی آثاری است که فرآیند مشابهی را در خلق داستان و کاراکتر طی کرده‌اند. مدیری در مجموعه‌های پیشین خود رفتار خرق‌عادت‌گونه «شگانه به دوربین» را ترویج داد که موجب آشنایی‌زدایی از یک مجموعه داستانی می‌شد. همان یگانه کاراکترهای عاقل زمانی که از انبوه جهالت و نادانی جامعه به ستوه می‌آمدند، تنها راه خود را نگاه به دوربین می‌دانستند که تفسیرهای گوناگونی از این تکنیک مطرح شد.

هیولای جهان تازه مدیری

تاکنون در عمده محصولات مدیری خلق کرده است، در جامعه‌ای مملو از جهالت و حماقت تک‌کاراکتر عاقل، آگاه اما ناتوان وجود داشت که در تعامل با بقیه رنج می‌کشید. کاراکتر شرافت در مجموعه نمایشی هیولا بازتولید همان نقش سیامک انصاری در سریال‌های پیشین مهران مدیری بود. اما تفاوت‌های هوشنگ شرافت با «کیانوش» بره، «هومن صحرایی» در حاشیه و «نیما زند کرمی» قهوه تلخ، نشانگر دنیای جدید مهران مدیری هستند. هوشنگ شرافت نماد شخصیت باشرف و اصیل جامعه امروزی بود که شدیدا بی‌عرضه به تصویر کشیده شده بود. یگانه شخصیت عاقل و آگاه اما بی‌عرضه داستان مهران مدیری این بار برخلاف رویه پیشین به جامعه می‌پیوندد. او نیز بخشی از جامعه‌ای می‌شود که مخاطب را از فرط جهالت و غیرانسانی بودنش به خنده وامی‌داشت. اما این بار دیگر حتی مدیری از خنداندن مخاطبش نیز ناتوان است. سادیسیم روایت جامعه‌ای بحرانی به حدی از افراط رسیده است که صرفاً مخاطبش بسرا نمایشی بدبختی‌های افراق‌شده خود حاضر است هزین کند و با آن سرگرم شود. در دنیای هیولا جز چند معلم ساده‌دل، دیگر هیچ انسان شریفی وجود ندارد. جامعه مملو است از گرگ‌هایی که باید با آنها برقصی و حتی اگر دریده شدی، نترسی!

مدیر ی؛ صدسال به این سال‌ها

جهان مهران مدیری در تمام این سال‌ها اگرچه از مسائل اجتماعی سخن می‌گوید و با طنزهای اندک مخاطب را به تلخ‌دنی و می‌داشت اما در همین حال ناخودآگاه مخاطب پر می‌شد از جهانی که هیچ جای امید ندارد؛ دنیایی که همه در آن مشغول غارت همدیگرند، جامعه‌ای بی‌سواد و جاهل که شخصیت‌های آگاه نه به قدرت می‌رسند و نه در میان مردم جایگاهی دارند. بازتولید انبوه یاس و ناامیدی از کلیت جامعه اتفاقی بوده است که مدیری به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه در تمام این سال‌ها از روی آنتن رسانه ملی و شبکه نمایش خانگی به تصویر کشیده است. دورهمی مدیری و خندوانه جوان دو روی یک سکه به حساب می‌آیند. جایی که هر دو می‌پذیرند دنیا دیگر انگیزه‌ای برای شادی و امید ندارد. پس تنها راه شاد زیستن، خوش‌باشی بی‌دلیل است و فراموشی آنچه ما را به واقعیت نزدیک می‌کند. این جهان‌بینی از رسانه ملی به تصویر کشیده می‌شود و مخاطب را بیش از هر زمانی به «بی‌معنایی» در زندگی عصر جدید می‌کشاند، در حالی که رسالت رسانه ملی امیدبخشی آگاهانه و مبتنی بر واقعیت است، جایی که چالش‌های اجتماعی با ادبیاتی انتقادی مطرح و در ادامه آن راه‌حل‌های رفیع این چالش با تمهاتی از امید به تصویر کشیده شوند.

نگاهی به کتاب «فقط روزهای که می‌نویسم» اثر آرتور کریستال

فکر کردن با قلم

فکر می‌کنم... اما جستار روایی چیست؟ در بخش انتهایی همین کتاب، نویسنده تعریف خود از جستار به‌عنوان قالب نوشته‌هایش را شریطی فارع از نوشتن و خواندن را در زندگی‌شان تصور کنند. آرتور کریستال هم از جمله این آدم‌هاست که کتاب «فقط روزهای که می‌نویسم» را به رشته تحریر درآورده است. مردی که تمام طول زندگی‌اش سرگرم نوشتن جستار، فیلمنامه و معرفی کتاب بوده است، در کتاب اخیر خود تلاش دارد خواندن و نوشتن را به چالش بکشد. اگر باور داشته باشیم که میزان تأثیرگذاری جستار در ذهن مخاطب به میزان نزدیکی دغدغه او با موضوع جستار ربط دارد، مخاطبی که درگیر نوشتن و خواندن است، می‌تواند همراه با صفحات این کتاب به سوالاتی که نویسنده مطرح می‌کند بیندیشد، بی‌آنکه نگران باشد قرار است نظر نویسنده به‌عنوان دلیل قطعی به او دیکته شود. آرتور کریستال در این کتاب به چند سوال مهم پاسخ می‌دهد. چرا بهتر است خالق متون محبوبان را نینیمیم؟ چرا زندگی و حرفه نویسنده‌گی از هم جدا نیست؟ آیا خواننده واقعی آخر داستان معلوم می‌شود؟ سوالاتی که هرکدام را با بیان دلایلی یک به یک رد کرده و دلیل خود را برای این کار بیان می‌کند. تلاش برای پاسخگویی به این سوالات را می‌توان شبیه یک فرآیند تفکر مکتوب دانست که نویسنده و مخاطب هر دو در آن دخیل می‌شوند. درواقع این کتاب به نوعی شیوه‌اندیشیدن را به مخاطب می‌آموزد. اندیشیدن با نوشتن؛ همانطور که آرتور در ابتدای کتاب خود نوشته است: فقط وقتی می‌نویسم، یاری کند».

فاطمه افتخاری: آدم‌هایی هستند که کلمات برای آنان مانند اکسیژن و نوشتن مانند عمل تنفس است، آدم‌هایی که هرگز نمی‌توانند شریطی فارع از نوشتن و خواندن را در زندگی‌شان تصور کنند. آرتور کریستال هم از جمله این آدم‌هاست که کتاب «فقط روزهای که می‌نویسم» را به رشته تحریر درآورده است. مردی که تمام طول زندگی‌اش سرگرم نوشتن جستار، فیلمنامه و معرفی کتاب بوده است، در کتاب اخیر خود تلاش دارد خواندن و نوشتن را به چالش بکشد. اگر باور داشته باشیم که میزان تأثیرگذاری جستار در ذهن مخاطب به میزان نزدیکی دغدغه او با موضوع جستار ربط دارد، مخاطبی که درگیر نوشتن و خواندن است، می‌تواند همراه با صفحات این کتاب به سوالاتی که نویسنده مطرح می‌کند بیندیشد، بی‌آنکه نگران باشد قرار است نظر نویسنده به‌عنوان دلیل قطعی به او دیکته شود. آرتور کریستال در این کتاب به چند سوال مهم پاسخ می‌دهد. چرا بهتر است خالق متون محبوبان را نینیمیم؟ چرا زندگی و حرفه نویسنده‌گی از هم جدا نیست؟ آیا خواننده واقعی آخر داستان معلوم می‌شود؟ سوالاتی که هرکدام را با بیان دلایلی یک به یک رد کرده و دلیل خود را برای این کار بیان می‌کند. تلاش برای پاسخگویی به این سوالات را می‌توان شبیه یک فرآیند تفکر مکتوب دانست که نویسنده و مخاطب هر دو در آن دخیل می‌شوند. درواقع این کتاب به نوعی شیوه‌اندیشیدن را به مخاطب می‌آموزد. اندیشیدن با نوشتن؛ همانطور که آرتور در ابتدای کتاب خود نوشته است: فقط وقتی می‌نویسم، یاری کند».

حسن شمشادی در آیین رونمایی از مستند خاطرات خبرنگار جنگ:

شما به خارج رفتن تان بر سید، بچه‌های حاج قاسم هستند

مراسم رونمایی از مستند «خاطرات خبرنگار جنگ»، پیرامون واقعه کشتار داعش در پایگاه اسپایکر عراق به کارگردانی «وحید چاوش» و به روایت سیدمهر تقی موسوی در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد. به گزارش تسنیم، این مراسم حسن شمشادی با اشاره به مساله بازنشتگی خود اظهار داشت: باید بگویم بعد از ۲۵ سال مداومت در کار خبر و ۵ سال کارهای جستجو و گریخته در صداوسما بازنشته‌شدم، که الحمدلله رب‌العالمین. اگر چه خبرنگار بسیجی بازنشتگی ندارد و پایان کارش شهادت خواهد بود که امین با رب‌العالمین وی افزود: برای ساخت این کار باید به وحید چاوش خدا قوت بگویم، چرا که گوشه‌ای از جنایات داعش در عراق را به تصویر کشید. مطمئناً اگر چنین اتفاقی برای صهیونیست‌ها رخ می‌داد صد‌ها فیلم، کتاب و رسانه از آن می‌ساختند اما ۱۹۰۰ شیعه جوان عراقی ۱۸ تا ۲۳ ساله در چنین جبهاتی به دست داعش که دست پرورده آمریکا، اسرائیل و عربستان است در یک صبح تا شب در پادگان اسپایکر تکریت کشته می‌شوند و همه سکوت می‌کنند. این موضوع از مظلومیت شیعه و جبهه مقاومت است. جالب است این مظلومیت نهنها در رسانه‌های عبری و غربی است، بلکه در بین خودمان نیز وجود دارد. وی افزود: هدف داعش ما نیز بودیم. ما به عنوان جمهوری اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی از اهداف اصلی داعش بودیم تا امنیت

ملی ما از بین برود. متأسفانه در این میان کوفته‌فکرانی که البته تعداد کمی از آنان هموطن ما هستند وجود داشتند که تحت تاثیر تبلیغات صهیونیسم و آمریکا و سعودی قرار گرفتند تا بگویند داعش را خود جمهوری اسلامی درست کرده و از آن حمایت می‌کند. جالب است بدانید یکی از فرماندهان میثانی داعش وقتی موصل را تسخیر کرد در میدان اصلی این شهر ایستاد و در برابر دوربین داعش گفت که ما این پیروزی را به خلیفه ابوبکر البغدادی تقدیم کرده و بزودی پرچم داعش را در تهران برافراشته می‌کنیم. یک عده می‌آمدند و می‌گفتند بگذارید زندگی کنیم. در جواب آنان می‌گویم که بله بروید زندگی کنید، سفر کنید، خارج بروید و دور دور بزنید، چرا که کسانی هستند که برای دور دور کردن شما برزید و جان بدهند. خاطرم هست در زمانی که داعش به ۲۵ کیلومتری مرز ایران رسیده بود، افراد زیادی در صفحه شخصی من پیام می‌دادند ما پاسپورت‌مان آماده است، زندگی‌مان آماده است و... اگر قرار است داعش به ایران وارد شود، به ما اطلاع بدهید زودتر برویم. در پاسخ به آنان می‌گفتم بروید، چرا که بچه‌های حاج قاسم هستند و دفاع می‌کنند. حتی بعدا که خطر نیز دفع شد، با زخم‌زبان‌ها و بعضاً فحاشی‌هایشان از مدافعان ما پذیرایی کردند.

علیرضا بدیع، شاعر و ترانه‌سرای حوزه موسیقی:

کمپانی‌های موسیقی عامدانه محتوای سخیف تولید می‌کنند

علیرضا بدیع، شاعر و ترانه‌سرای موسیقی با تأکید بر وجود مافیای صنعت موسیقی اظهار داشت: بنده معتقدم مافیای بزرگی در حوزه موسیقی وجود دارد. اینکه یک ترانه سخیف و بنجل را شما کاری کنید ۸۰ میلیون نفر بشنوند و از این ۸۰ میلیون ۲۰ میلیون نفر مبهوت آن بشنوند؛ این مافیاست اگرچه تعداد زیادی قطعه، روزانه تولید می‌شوند، چرا خواننده‌هایی که در ذیل این شرکت‌ها نیستند کارشان برجسته نمی‌شود؟ این شاعر جوان توضیح داد: برخی از این شرکت‌ها و کمپانی‌ها عامدانه و آگاهانه قدم در راه تولید محتوای سخیف برمی‌دارند و قصد دارند سلیقه مردم را تخریب کنند. چیزی که مردم می‌شنوند، موسیقی سخیف عامدانه است که شرکت‌ها، کمپانی‌ها، کنسرت‌گذارها و برنامه‌سازها درست کرده‌اند و ذائقه مخاطب نسل امروز را تغییر داده‌اند. وی افزود: این تولیدات سخیف باعث شده مخاطب معیارهای زیبایی‌شناختی اثر را درک نکنند. من خودم وقتی با بعضی از جوانان در خانواده صحبت می‌کنم

و می‌گویم که من موسیقی‌ای دوست دارم که شعش قشنگ باشد، برای‌شان عجیب است. آنها به جای موسیقی و آهنگ فقط ریتم را می‌شنوند اما مردم در محیط‌های فیزیکی و شبکه‌های اجتماعی آهنگ نمی‌شنوند، بلکه ریتم و ضرباهنگ می‌شنوند و یکسری کلمات آهنگین بی‌مفهوم که در نیم ساعت سروده شده است. بدیع در ادامه افزود: از سال ۹۴ برنامه زنده داشتم. مثل «ترانه باران» که بخش موسیقی بود و نظرسنجی و نقد و مثال‌هم. از همان خرداد ۹۲ که نقدی به یکی از خوانندگان پاپ داشتم بعد از بیان آن وقتی از استودیو به خانه آمدم و اینستاگرام را باز کردم دیدم فالوئرهای من خیلی زیاد شده‌اند. فکر کردم هک شده‌ام و وقتی کلمنت‌ها را باز کردم با موجی از فحاشی متوجه شدم، همه از طرفداران او بودند. آن زمان اصلاً باب نبود کسی راجع به خواننده نظر بدهد. خواننده انگار بت یا خداوندگار اینهاست.

